

**محتوای کلی سوره جمعه:** این سوره بر دو محور اساسی دور می‌زند: نخست، توجه به توحید و صفات خدا و هدف از بعث پیامبر اسلام و موضوع معاد، و دیگر، برنامه سازنده نماز جمعه و بعضی از خصوصیات این عبادت بزرگ.<sup>۱</sup>

**۳. گروه دیگری که هنوز به آنها ملحق نشده‌اند:** از آن‌رو که پیامبر اسلام فقط برای مردم درس‌نخوانده عرب مبعوث نشده و دعوتش جهانی بود، این آیه تمام مسلمانانی را که بعد از مسلمانان صدر اسلام به دین اسلام مشرف می‌شوند شامل می‌شود. در حدیثی می‌خوانیم که هنگامی که پیغمبر اکرم این آیه را تلاوت می‌فرمود، اصحاب سؤال کردند: اینها کیان‌اند؟ پیامبر (ص) دست خود را بر شانه سلمان فارسی گذارد و فرمود: «اگر ایمان در ثریا (ستاره دور دستی که در دوری ضرب‌المثل است) باشد، مردانی از این گروه (یعنی ایرانیان) به آن دست می‌یابند.»<sup>۲</sup>

**۵. چارپایی بر او کتابی چند:** این آیه در مورد گروهی از یهود سخن می‌گوید که اوصاف و نشانه‌های پیامبر اسلام و بشارت‌های ظهور او را در تورات و انجیل می‌خواندند و کاملاً می‌دانستند که حضرت محمد(ص) مصداق آن نشانه‌ها و بشارت‌ها است؛ اما حاضر به ایمان آوردن به او نمی‌شدند. آن قوم از خود راضی که تنها به نام تورات یا تلاوت آن قناعت کردند، بی آن‌که در محتوای آن بیندیشند و به آن عمل کنند، همانند همین حیوانی هستند که در حماقت و نادانی، ضرب‌المثل و مشهور خاص و عام است. او از کتاب چیزی جز سنگینی احساس نمی‌کند و برایش تفاوت ندارد که سنگ و چوب بر پشت دارد یا کتاب‌هایی که دقیق‌ترین اسرار آفرینش و مفیدترین برنامه‌های زندگی در آن است. این گویاترین مثالی است که برای عالم بی‌عمل می‌توان بیان کرد که سنگینی مسئولیت علم را بر دوش می‌کشد؛ بی آن‌که از برکات آن بهره گیرد. همچنین، افرادی که با الفاظ قرآن سر و کار دارند، ولی از محتوا و برنامه عملی آن بی‌خبرند نیز مشمول همین آیه‌اند. در روایتی از امام علی(ع) می‌خوانیم: «ای مردم، هنگامی که چیزی را دانستید، عمل کنید تا هدایت یابید؛ زیرا دانشمندی که به علم خود عمل نکند، جاهل سرگشته‌ای بیش نیست که از نادانی خود به هوش نیاید؛ بلکه حجت حق علیه او بزرگ‌تر و اندوهش دائمی است و نزد خدا بیشتر مورد ملامت قرار خواهد گرفت.»<sup>۳</sup>

**۸. چرا گروهی از مرگ می‌ترسند؟:** دلیل عمده این مطلب این است که به زندگی بعد از مرگ ایمان ندارند، یا اگر ایمان دارند، این ایمان به صورت یک باور عمیق در نیامده و بر افکار و عواطف آنها حاکم نشده است. وحشت انسان از فنا و نیستی طبیعی است؛ اما اگر انسان مضمون این روایت را باور کند که «دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است»، هرگز از مرگ وحشت نمی‌کند؛ در عین این‌که خواهان زندگی برای پیمودن مسیر تکامل است. در وقایع عاشورا می‌خوانیم که هر قدر حلقه محاصره دشمن تنگ‌تر و فشار دشمن بر امام حسین(ع) و یارانش بیشتر می‌شد، چهره‌های آنها برافروخته‌تر و شکوفاتر می‌گشت. پیرمردان اصحاب صبح عاشورا خندان بودند و وقتی از آنها سؤال می‌شد که چرا این‌گونه هستید، می‌گفتند: برای این‌که ساعاتی دیگر شربت شهادت می‌نوشیم و حورالعین را در آغوش می‌گیریم. علت دیگر برای ترس از مرگ، دلبستگی بیش از حد به دنیا است؛ چرا که مرگ میان آدمی و محبوبش جدایی می‌افکند و دل‌کنند از امکاناتی که برای زندگی مرفه و پر عیش و نوش فراهم کرده، برای او سخت است. شخصی نزد ابوذر آمد و همین را پرسید. وی گفت: «برای این‌که شما دنیا را آباد کرده‌اید و آخرتتان را ویران. طبیعی است که دوست ندارید از نقطه‌ای آباد به نقطه ویرانی منتقل شوید.» عامل سوم، خالی بودن ستون حسنات و پر بودن ستون سیئات نامه عمل است.<sup>۴</sup>

**۹. بزرگ‌ترین اجتماع عبادی - سیاسی هفته :** نماز جمعه، قبل از هر چیز، یک عبادت بزرگ و جمعی است و اثر عمومی عبادات را که تلطیف روح و جان و شستن دل از آلودگی‌های گناه و زدودن زنگار معصیت از قلب است نیز در بر دارد. این فریضه بزرگ، یک کنگره عظیم هفتگی است که بعد از کنگره سالانه حج، بزرگ‌ترین مجمع اسلامی است. در روایتی از پیامبر اسلام (ص) می‌خوانیم: «نماز جمعه، حج مستمندان است.»؛ اشاره به این که بسیاری از برکات کنگره عظیم اسلامی حج، در اجتماع نماز جمعه نیز وجود دارد. در روایات تأکیدی فراوانی در این زمینه وارد شده است؛ در روایتی از پیامبر (ص) می‌خوانیم: «کسی که از روی ایمان (و برای خدا) در نماز جمعه شرکت کند، عملش را از نو آغاز کند.»<sup>۱</sup> نکته دیگر این که جمعی معتقدند که این نماز از وظایف امام معصوم یا نماینده خاص اوست؛ به تعبیر دیگر، مربوط به زمان حضور امام معصوم است؛ در حالی که بسیاری از محققین معتقدند این امر، شرط وجوب عینی نماز جمعه است و برای وجوب تخییری این شرط لازم نیست و در زمان غیبت نیز می‌توان نماز جمعه را بر پا داشت و جانشین نماز ظهر کرد.<sup>۲</sup>

## نکات آیه ۱ :

\* شاید چهار صفت «الْمَلِكِ ، الْقُدُّوسِ ، الْعَزِيزِ ، الْحَكِيمِ» در این آیه، مقدمه آیه بعد باشد که می‌فرماید: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ ... اگر خداوند برای شما پیامبری می‌فرستد، به خاطر نیاز خداوند به پرستش نیست، بلکه او حاکمی منزّه و مقتدر است و بعثت انبیا بر اساس حکمت اوست که انسان را از طریق تزکیه و خودسازی و تعلیم و آموزش دین و حکمت، از ظلمات به نور برساند.

آری، اگر انسان خداوند را از هر عیب و نقص مبرا دانست، عاشق و بنده ی او می‌شود، از او پروا کرده و بر او توکل می‌کند و روابط اجتماعی و حرکات و افعال خود را مطابق رضای او تنظیم می‌کند.

\* کلمه «امی»، منسوب کلمه «ام» است. اطلاق این کلمه بر مردم مکه، یا از آن جهت است که مکه، امّ القری است، یا از آن جهت که در زبان عربی به کسانی که خواندن و نوشتن را نمی دانند، «امی» می گویند، زیرا مثل روزی هستند که از مادر متولد شده اند.

\* در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم: چون مردم مکه، کتاب و رهبر آسمانی نداشتند، خداوند نسبت امّی به آنان داده است و گرنه برخی از آنها توان نوشتن داشتند.

\* «يُزَكِّيهِمْ» یعنی پیامبر مأمور است تا اخلاق زشت را از میان مردم بردارد و اخلاق نیکو را در میان آنان رواج دهد تا به رشد و کمال رسند.

\* مراد از «حکمت» در اینجا همان معارف و حقایقی است که از آیات قرآن بر می آید و با تغییر نگرش انسان به جهان و دادن بینش صحیح به او، زمینه های سعادت او را فراهم می سازد.

۱- رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، مخصوص مردم معاصر خود نیست بلکه شامل تمام مردم پس از او، از هر نژاد و اقلیم می شود. وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا ...

۲- هیچ کس قدرت جلوگیری از نفوذ اسلام در آینده تاریخ را نخواهد داشت.

وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا ... وَ هُوَ الْعَزِيزُ

۳- پشتوانه پیامبران، قدرت و حکمت خداوند است. بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ ... وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۴- همان حکمتی که دلیل فرستادن انبیا برای پیشینیان بوده، در بعثت پیامبر اسلام نیز هست. الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ... بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ ... وَ آخَرِينَ مِنْهُمْ ... وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۵- گرچه نبوت فضل و مقام بزرگی است که خداوند به هر کس بخواهد عطا می کند ولی چون حکیم است، این مقام را تنها به اهلش می دهد. «الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ»

نکات آیه ۵ :

\* «أسفار» جمع «سفر» به معنای کتابی است که از حقایق پرده برداری می کند.

\* تورات، از بخش های مختلفی تشکیل یافته که به هر بخش که همانند یک سوره از قرآن می باشد، یک «سفر» می گویند. مانند سفر پیدایش.

\* گرچه قرآن در این آیه، از یهودیان انتقاد می کند، اما در واقع کنایه ای است به مسلمانان که مبادا شما نیز قرآن را بشنوید، ولی به آن عمل نکنید.

\* قرآن در چند مورد، انسان های نااهل را به چارپایان تشبیه کرده که یکی از آنها عالمان بی عمل هستند که در این آیه به آنها اشاره شده است. «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»

چرا از مرگ می ترسیم؟

اگر سفر به سوی آخرت را به سفرهای دنیوی تشبیه کنیم، می بینیم که نگرانی های یک راننده در مسافرت، می تواند دلایل مختلفی داشته باشد:

الف) گاهی نگرانی به خاطر کمبود بنزین است، اما کسی که برای آخرت خود توشه برداشته است، نگران نیست. «تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى»

ب) گاهی نگرانی به خاطر وسیله نقلیه می باشد که سرقتی است، اما کسی که در آمدش حلال است، نگران نیست.

ج) گاهی نگرانی برای جنس قاچاقی است که به همراه دارد، اما کسی که بار گناه به دوش ندارد، نگران نیست.

د) گاهی نگرانی برای سرعت غیر مجاز است، اما کسی که اهل افراط و تفریط نیست، «كَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا» و زندگی اش بر اساس اعتدال و میانه روی بوده است، «لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» ترسی ندارد.

ه) گاهی نگرانی به خاطر همسفران ناشناس و نادرست است، ولی کسی که در دنیا همراه و همنشین ابرار بوده است، نگران نیست.

و) گاهی از تنها بودن در جاده می ترسد، ولی کسی که در کاروان ابرار قرار دارد و ارتباط او با مؤمنان است تنها نیست.

ز) گاهی از نرسیدن به مقصد ترس و دغدغه دارد، ولی کسی که معتقد است ذره ای از عمل او هدر نمی رود، نگران نیست. «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ...»

\* از ابوذر پرسیدند: چرا از مرگ می ترسیم؟ فرمود: «انکم عمرتم الدنيا و خربتم الآخرة فتکړهون ان تنتقلوا من عمران الى خراب» شما دنیا را آباد و آخرت را خراب کرده اید، پس کراهت دارید که از آبادی به سوی خرابی بروید.

\* گرچه خطاب این آیه به یهودیان است، ولی آمادگی برای مرگ، وسیله ای برای سنجش همه مدعیان ایمان و ولایت الهی است. «فَتَمَنُّوا الْمَوْتَ»

#### نکات آیه ۸ :

\* انسان ها برای فرار از مرگ، هزاران تدبیر می اندیشند، ولی چه سود؟ از جبهه جنگ فرار می کنند، اما خداوند می فرماید: هرگز این فرار جلوی قتل یا مرگ شما را نخواهد گرفت.

«قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ» خانه های بسیار محکم می سازند، ولی باز هم مرگ به سراغشان می آید. «أَيْنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكُكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ»

آری، در دنیا نمی توان از مرگ فرار کرد همان گونه که در آخرت نمی توان از قهر و کیفر الهی فرار کرد. «يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ»

\* ایمان و باور به این که در قیامت دوباره زنده شده و حضور خواهیم یافت و جرم ها کشف خواهد شد، بهترین عامل برای رعایت تقوا در دنیا است. «فَيَنْبِئُكُمْ»

نکات آیه ۹ :

جایگاه روز جمعه

در اسلام، در میان روزها، روز جمعه از اهمیت خاصی برخوردار است و روایات در این باره بسیار است که به برخی از آنها اشاره می شود:

\*پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جمعه، سرور روزهای هفته و دارای بزرگ ترین مرتبه در نزد خداوند متعال است.

\*جمعه، روز کمک به محرومان و فقراست. در حدیث می خوانیم که پرداخت صدقه و انفاق خود را در روز جمعه پرداخت کنید.

\*جمعه روز ظهور امام زمان علیه السلام و پایان غیبت آن حضرت است: «یخرج قائمنا یوم الجمعة»

\*در روز جمعه درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال بندگان باز می شود.

\*پیامبر می فرماید: در روز جمعه خداوند کارهای نیک را چند برابر و کارهای زشت را محو می کند، به درجات مؤمنان می افزاید، دعاها را اجابت می کند، بلاها را دور و حاجات مؤمنان را برآورده می سازد.

\* هر کس روز جمعه به زیارت قبر پدر و مادر یا یکی از آنها برود، گناهانش بخشیده و نام او در زمره نیکان نوشته می شود

\* در روز جمعه، غسل جمعه را ترک نکنید که سنت پیامبر اسلام است و از بوی خوش بهره گیرید و لباس نیکو در بر کنید.

\* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا به شما خبر دهم چه کسی اهل بهشت است؟ کسی که گرما و سرمای شدید او را از اعمال روز جمعه باز ندارد.

\* در روز جمعه تا آنجا که توان دارید، کارهای خیر انجام دهید. «و لیفعل الخیر ما استطاع»

\* برای کسی که در روز جمعه به نظافت پردازد و ناخن و موی سر و صورت خود را کوتاه کند و مسواک زند...و به سوی نماز جمعه برود، هفتاد هزار فرشته او را بدرقه کنند و برای او استغفار و شفاعت نمایند.

جایگاه نماز جمعه

اولین اقدام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه، اقامه نماز جمعه بود.

نمازی که دعوت به آن با جمله «یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا» شروع شده است.

نمازی که با جمله «فَاسْعَوْا إِلَى ذِکْرِ اللَّهِ» مردم به اقامه آن ترغیب شده اند.

نمازی که فرمان ترک داد و ستد را به همراه دارد.

نمازی که در روایات، هم وزن حج شمرده شده است. «علیک بالجمعه فانها حج المساکین»

نمازی که بعد از خطبه اش دعا مستجاب می شود.

نمازی که با تکیه امام جمعه به اسلحه اقامه می شود.

نمازی که سبک شمردن و استخفاف آن، نشانه ی نفاق شمرده شده است.

نمازی که در آن امام جمعه باید مردم را به تقوا سفارش کند.



نمازی که در آن مردم از مسایل جهان آگاه می شوند.

نمازی که باید به جماعت برگزار شود و نمی توان آن را فردی خواند.

نمازی که سفارش شده تسهیلات لازم برای حضور زندانیان مالی در آن فراهم شود.

نمازی که سزاوار است سفر به خاطر حضور در آن به تأخیر افتد. حضرت علی علیه

السلام در نامه ای به حارث همدانی می فرماید: روز جمعه مسافرت مکن تا در نماز

حاضر شوی مگر سفری که در راه خدا باشد و یا کاری که به انجام آن معذوری.

نمازی که سفارش شده از روز قبل، خود را برای حضور در آن آماده کنید. حضرت علی

علیه السلام از اینکه روز پنج شنبه دارویی مصرف کنند که سبب ضعف (و عدم شرکت

در نماز) در روز جمعه شود، مردم را نهی می فرمودند و امام باقر علیه السلام در وصف

یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: آنان از روز پنج شنبه خود را برای نماز

جمعه آماده می کردند.

نمازی که ثواب شرکت در آن برای مسافر، بیش از ثواب افرادی است که مقیم همان

شهرند.

نمازی که یک شب مانده به انجام آن، به تلاوت آیات آن سفارش شده است. در

روایات سفارش شده که در نماز مغرب شب جمعه، سوره جمعه تلاوت شود که به

نوعی تذکر و یادآوری و آماده شدن برای نماز جمعه است.

\* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر قدمی که مؤمن به سوی نماز جمعه بر می

دارد، خداوند هول و هراس روز قیامت را از او کم می کند.

\* نماز جمعه کفاره گناهیانی است که انسان در طول هفته انجام می دهد، البته مادامی

که گناهان کبیره را رها کند.

و در روایت دیگری می خوانیم هر کس به غیر از بیماری و عذر موجه دیگری سه جمعه در نماز جمعه حضور نیابد، خداوند بر قلب او مهر می زند.

\* رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در زمان حیات و یا پس از مرگ من، نماز جمعه را از روی انکار یا استخفاف و سبک شمردن ترک کند، خداوند کارش را جمع نمی کند، در امورش برکت قرار نمی دهد و حج و صدقه او قبول نیست، مگر آن که توبه کند.

\* هنگامی که امام جمعه برای خواندن خطبه می ایستد، بر مردم لازم است که سکوت کنند و نماز نخوانند و با ادب بنشینند.

## نکات آیه ۱۰ :

\* در فرهنگ قرآن، مال دنیا فضل الهی است، لذا در این آیه می فرماید: «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» ، بعد از پایان نماز جمعه، به سراغ فضل خدا یعنی درآمد و تجارت بروید. چنانکه در جای دیگر، آن را «خیر» شمرده و می فرماید: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ» اگر کسی خیری باقی گذارده، وصیت کند که در اینجا مراد از خیر، مال دنیا است.

\* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در بازار و محل کسب و کار با اخلاص خدا را یاد کند، در حالی که مردم از خدا غافلند و به کارهای خود مشغولند، خداوند برای او هزار حسنه ثبت می کند و روز قیامت او را مورد مغفرت ویژه خویش قرار می دهد.

\* نشاط انسان برای عبادت باید بیش از نشاط او برای کسب درآمد باشد. درباره عبادت فرمود: «فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» و در این آیه درباره تجارت می فرماید: «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» هر دو کلمه «فَاسْعَوْا» و «ابْتَغُوا» به معنای تلاش و حرکت است، لیکن در آیه اول واژه «سعی» و حرف «فاء» وجود دارد که عشق و نشاط و سرعت در آن نهفته است.

\* فضل الهی گاهی مادی و گاهی معنوی است. در آیه چهارم همین سوره درباره بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ» و در این آیه درباره کسب و کار و تجارت می فرماید: «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ».

## نکات آیه ۱۱:

\* در تفاسیر می خوانیم: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مشغول خواندن خطبه های نماز جمعه بود که کاروان تجاری همراه با طبل و دُهل و سر و صدا وارد مدینه شد. بیشتر نمازگزاران به سراغ کاروان رفتند و حضرت را که در حال ایستاده مشغول ایراد خطبه بود، تنها گذاشتند.

این آیه نازل شد و آنان را توبیخ کرد.

\* آیه به جای انتقاد از ترک خطبه و نماز، از تنها گذاردن پیامبر، انتقاد می کند. آری، شکستن حرمت رهبر آسمانی از شکستن خطبه و نماز مهم تر است. \* آغاز این سوره با بعثت پیامبر اسلام بود و پایان آن، با انتقاد از تنها گذاشتن آن حضرت و این خود هشدار به مؤمنان است.